

نمایش زامبی‌های درون!

دنیا خمایی آپیوند کم‌دی با تلخی‌های اجتماعی، هنری است که در تلویزیون ایران سال‌ها رضا عطاران با بیان رئال و واقع‌گرایانه آن را انجام می‌داد و مهران مدیری با نگاهی فانتزی به سراغ آن می‌رفت؛ محتوایی که بعدها توسط هم‌نسلان این دو هنرمند هم در شکل‌های دیگر تکرار شد که شاید هیچ طنزانی در آن مدیوم به تبحر و قدرتمندی و در عین حال محبوبیت این دو نفر نرسید. مهران مدیری چند سالی است که نگاه فانتزی بی‌مکان و بی‌زمانش را در محصولات شبکه نمایش خانگی و تلویزیون ارایه داده پررنگ‌تر کرده و اوج بدبختی یک نفر و گیر کردن در موقعیت‌های عجیب و غریب که با «مرد هزارچهره» شروع شده بود را در «ساعت پنج عصر» به اوج رساند. یک بلبشوی اجتماعی که با بازی خیره‌کننده سسیامک انصاری در اکران هم موفق بود و توانست در اولین قدم سینمایی رکورد بزند. حالا اما برای چندمین بار مدیری در مدیوم شبکه نمایش خانگی، محصول جدیدش که سریال «هیولا» باشد را ارایه داد و از هیولای درونی هر انسانی صحبت کرد که می‌تواند در زمان خیلی کم یک انسان را با تمام شرافتش بلعد، حرص و از پول حرام که می‌تواند آسایش را فراهم کند و روزه‌به‌روز انسان را به کام عقده و سقوط بکشاند. حالا دیگر مدیری از یک اشتباه و یک سهوی که منجر به خراب شدن یک سرانجام و تغییر یک سرنوشت است حرف نمی‌زند، حالا از تعدد و خودآگاه انسان که کشش غیرارادی و حتی ارادی به سمت جاه‌طلبی و رفاه به هر قیمتی دارد، صحبت می‌کند. نمایش تلخی تمام‌نشدنی که شریف‌ترین شخص این شهر هم از آن در امان نیست، دست و پا زدن در یک بانلاق اجتماعی که «بخور تا خورده نشی» شعارش می‌شود؛ واقعیتی که رنگ فانتزی همیشگی را دارد اما آن قدر واقعیتش گزنده و پررنگ است که خنده از ته دل برای مخاطب نمی‌آورد که یک خنده هیستریک و تلخ همراه او می‌کند که منتهی به تامل برانگیزترین اثر کارگردانش می‌شود. مانیفستی که مدیری صادر می‌کند هیچ راه‌حلی ندارد، او نمایش می‌دهد تا شاید به خودمان بیاییم، اما آیا به خودمان می‌آییم؟!



قطعا یکی از درست‌ترین کم‌دی‌های سیاهی است که ایشان تا به الان انجام داده‌اند.

به نظر شما سریال «هیولا» در مقایسه با سایر آثار آقای مدیری چقدر جلوتر و یا عقب‌تر است؟ «هیولا» کجای کارنامه مهران مدیری ایستاده است؟

به‌نظرم باید از خود آقای مدیری و مردم پرسید. معتقدم هر کاری را در زمان خود باید سنجید، ما خودمان بیننده و طرفدار آثار آقای مدیری مثل «شب‌های برره»، «قهوه تلخ» و... بودیم. «هیولا» هم در موقعیت خودش سریال خوبی است و چیزی که می‌توانم بگویم این است که از خیلی جهات با سایر کارهای آقای مدیری متفاوت است. اما این طور نیست که بگویم چون من نویسنده این کار هستم این کار جلوتر از سایر آثار است.

چه تغییری در بازی‌گران کار اتفاق افتاد؟!

تا به حال جایی گفته نشده اما خود آقای مدیری در ابتدا قرار بود نقش «آقای شرافت» را بازی کنند که با تشخیص خودشان این کار نکردند، یکی این که نمی‌خواستند اذهان به طرف شخصیت «شصتچی» «مرد هزارچهره» بروند، دوم این که چون «هوشنگ شرافت» نقش اول سریال بود و ایشان می‌خواستند کارگردانی هم کنند انرژی زیادی از ایشان گرفته می‌شد. ضمن این که فرهاد اصلانی آنقدر برای ایفای این نقش انگیزه داشت و آماده بود که آقای مدیری تردید نکردند و نقش را باطمینان به فرهاد اصلانی سپردند.

در سایر بازی‌گران چطور؟

ما برای نقش «شهره» هم دو کاندیدای بی‌نظیر داشتیم و هر دو اولویت اول ما بودند، خانم‌ها ژاله صامتی و مقدمی که به‌خاطر مشغله کاری ژاله صامتی افتخار داشتیم با شبنم مقدمی کار کنیم و نقش «شهره» را به ایشان سپردیم.

به نظر شما سریال «هیولا» می‌خواهد افرادی امثال «هوشنگ شرافت» را در جامعه به چالش بکشد یا یک گروه اجتماعی را نقد کند؟ در این سریال خطاب مورد نقد، فرد است یا گروه؟!

خطاب گروهی هستند که برایشان مهم هم نیست! مثلاً گروهی که ما در قالب هیات‌مدیره نقدشان می‌کنیم تماس می‌گیرند و تشکر هم می‌کنند که ممنون چقدر خوب نقد می‌کنید. «آیا ما داریم خودتان را نقد می‌کنیم؟» یکی از همکاران ما یک بحث طولانی در خصوص مقایسه سریال «برکینگ بد» و «هیولا» انجام داد که خودشان هم به این نتیجه رسید که این دو سریال شباهتی به هم ندارند! ولی در هر دو سریال یک موقعیت درام وجود دارد. در سریال «برکینگ بد» هم با دلایل مختلف در مورد سقوط یک آدم می‌نویسند و ما هم همین کار را می‌کنیم. به نظر من دلیل این که هم آن‌ها در سریال شخصیت معلم را دارند و هم ما، این است که شما اگر سقوط یک دلال حقه‌باز را بنویسید یا سقوط یک فرد خرده‌شیشه‌دار را هیچ جذابیتی ندارد! اما زمانی که شما داستان سقوط یک انسان بسیار باشرف و درست را بنویسید آنجاست که موقعیت‌هایتان خیلی جذاب‌تر می‌شود. یکی از شریف‌ترین شغل‌هایی که وجود دارد معلمی است و اساساً به همین علت ما این شغل را انتخاب کردیم. معلمان قشر شریفی هستند و چیزی که این داستان را جذاب کرده این است که یک فرد شریف در حال سقوط است.

به نظر شما سریال «هیولا» در کدام گونه نمایشی قرار می‌گیرد؟! افسوس، کم‌دی سیاه یا طنز اجتماعی؟!

سریال «هیولا» در دسته‌بندی‌ها یک طنز اجتماعی-سیاسی و کم‌دی سیاه است. ما سعی نمی‌کنیم پشت کم‌دی سیاه قایم شویم و فکر می‌کنیم هیچ کس به اندازه آقای مدیری این سبک کم‌دی سیاه را کار نکرده است و «هیولا»



ما برای نقش «شهره» هم دو کاندیدای بی‌نظیر داشتیم و هر دو اولویت اول ما بودند، خانم‌ها ژاله صامتی و مقدمی که به‌خاطر مشغله کاری ژاله صامتی افتخار داشتیم با شبنم مقدمی کار کنیم و نقش «شهره» را به ایشان سپردیم